

جامی اواره : کسما

سر دبیر میرزا غلامحسین کسایی

نگارشات و مکاتیب باید

بنام ذیل باشد

زمن : جنگل

هفته دو نمره طبع شود

کمز بهت شامی

کتابخانه

۱۳۳۵

دوشنبه ۱۲ رمضان ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و طلا

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشک جواز نه ده بافت

قیمت اشک

بجاء دان

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامی است

مدیر مسئول حسین کسایی

افسانه پر شور

هر آدم با وجدان و بغرض بعد از لحظه مرور با وضع دنیا فوراً تصدیق میکند که جنگ عالم سوزناک و مآلوسه است
 همانقدر که در عدم چندین طغیان نفوس مجبول القدر (تباراً
 تقریباً ۱۰ میلیون) بشر و چندین طیار و مللا و اسناد اعتبار
 دول و جمیع مآخض یک قسمت عمده مغربی تا کوشید با منظور
 بهمانقدر این جنگ بزرگ از طرفی یک پل مغضی در شاهرا
 تاریخ عالم بناگذاشت .

سرنوشت تقریباً تمام دنیا و دولی که شکل حکومتهای
 مختلفه بلکه متضاده اداره شوند در نتیجه این جنگ تغییر فر
 یافت و درین دشت گیتی غمگین چه دولتها که بکمره
 زندگانی سیاسی را بدرود خواهند گفت و چه دولت
 که زندگانی را کلاً از سر خواهند گرفت .

ما در این میدان پر آشوب و موحر که پر گیر و دار
 چه میوانیم داشته باشیم ؟ چه داریم ؟ چه خواهیم داشت ؟

پیچ شبهه در این نیت که آبادی در خرابی یک ملت
 بدست اداره کننده گان آملکت است و این همیسی است
 که اگر صاحب خانه یک مرد با غم و خرد دورا بدیشی باشد از داد
 کارکنانی که در تحت مراقبت او امر او هستند سرگناه از مرد
 مجرب و کار آزموده باشند آنگاه قدر آباد و اگر بکس نه
 بکلی خراب و نابود می شود .

پیچ قسم پیچ قائم پیچ استدلال پیچ تینه این بود
 لازم نیت پیچ سریه پیچ تینه پیچ تقلید پیچ الطمان
 ضرورت ندارد و این دعوی ما چون بهی است بخبر
 اصمان نظر می توان بصحت آن پی بود .

ما بقدره بکار خا های د ک روپ ، و « اذ ناره »
 آلفانی نه به « سکه ای » ازیشی

دست ریس داریم نه بهتر بزرگتر تو چا و سخت تر
 در سخت تر صفو های زره پولاد را می توانیم بازیم دست
 است که گلوله یک توپ ۴۲ سانتیمتری بهترین قطعه
 فولادی و ساروجی را در هم می کنند در دست است ناز

گاه تربی و رازگروپ مثلاً از فاعله بن سواحل انگلیس و ساحل شمال فرانسه است نه است و نه کارخانه نه نهایی بگری داریم نه توپ و تفنگ مقداری مختلف ذخیره دروزخانه

ازبیل ، طبرستان ، زینین ، کالک ، سورتمه ، قازان ، کشتیا ، گروازان ، سخت البحرها پهلپنها ، آردولپنها ، مین ، حیدرآرپنها ، دولها

باکها و غیره و غیره و غیره در ایران علی الحاقیت معدنها با من ؛ و سیلپنها سلبه ؛ نایک اسرانا نیک ؛ اتحاد های واقعی اتفاق های حقیقی

اقتصادی و فایده اجتماعی گانالهای زرخیز و با مای جرت بگری می زده ای سطح که حاجی نتر و آقا قار تا ... هر چه از اولسولت عبور کند نیست .

نیکی از نگاه سبک و به کار نمی سهل است اما عمل اثبات مشکل است ایرانی خودش میداند ندارد مسایه میداند ما داریم ارواح مقدسه طلای با

شهادی مردان تر ز نهایی با هنر با بچه شاه میراث گدایند اینها که خوبان بکم نفع و خود آرائی دارند ما داریم

این همان ایرانت که محل تابش خورشید در زمان و گنام شیران بود در همین ایران امثال سید جمال الدین اسدآبادی پرنس حکم ، شیخ لدوله امیرالدوله

مرحوم ، میرالدوله ، وزیر دفتر (بزرگ پیر آشتیانی) طالب اف ، سرزاد معتمد مستشارالدوله میرزا آقا خان کرمان ، ملک المتکلمین ، سید جمال الدین باطنی

ستادخان سردر ملی ، حاجی میرزا براسیم وکیل درالشر

شیخ مسلم دای باروان بخورد و شجاع یک فطرت در چند سال اخیر بوده اند .

این ایرانت که امروز فقط در مرکز وطن و پایتخت امثال پرسس علاء السلطنه آقای مستوفی الممالک ، آقای مشیرالدوله ، آقای مؤمن الملک آقای مستشار

الدوله آقای ذکاء الملک ، آقای حبیبی خان نواب آقای سردار اسعد آقای احسان السلطنه ، آقای میرزا سلطنه آقای محسن السلطنه ، آقای مستاز الدوله ، آقای حکیم

آقای نصر الملک ، آقای صفاء الممالک ، آقای شهاب الدوله آقای محمدرالملک و چندین نفر دیگر رجال محبوب ملت و طرف اعتماد شاهانه جو انجمن یافت بودند که به عادت

مرتب ایران بوجود آنها افتخار دارد و چشم امید ایرانیان بذرات دیرانه و حکمانه آنهاست . قدرت و سطوت ملی از راه دیات و امانت گوشت

لحمه کفایت شیخ کاظم خراسانی ، و شیخ عبدالله مازندرانی ، و حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل ، و آقا سید عبدالیهبانی شهید ، و میرزای شیرازی شهر

برده که نام نایبان با ابد در دفترها خوانده انان است . و امروزه نفهم البدل دیادگاران سستونهای دیانت که

کله ای مقدس ایشان مربوط به دیانت نیست امثال آقای شیخ الشریعه ، آقا میرزا حسین باطنی ، آقا سید ابوالحسن

آقا سید علی (داماد مرحوم فاضل معانی) ، آقا سید محمد طباطبائی حاج مرعوف ، آقا سید محمد بهبهانی نفهم مختلف مرحوم آقا سید عبدالیهبانی ، و حاجی آقا نورالله اصهبانی (و آنها که صرف مجتهد ترویج شریعت و دین اسلامند) امثال آقا سید محمد کاظم یزدی ، آقا میرزا محمد

ماتره) شیرازی ، آقای صدر اصفهانی است که مقام
اجتاج جبل المبین شرح و تشریح در کف آئین
آنهاست .

این همان ایرانت که در پیشه های او شهرهای شهر
مثل میزراخ کرمانی ، و عیاس آقاچه تبریزی و غیره
و غیره هفت در شب السلطان دکننده عهد الحمید به نام
دیر عصر جدید حاضر و ناظراند .

پشم و ابرو !!!

بی در میان این امید ؛ و قبله چشم آنان یک پرده
آینه افتخار خیز خرم آور امثال سپهسالار محمدالدوله سهند
ناله (سر از منصور) در مانع داخل السلطان و کاران میزا
و شعاع اسطوخودوس در صوره الدوله ، و شیخ خزعل سردار ارض
و قوام الملک ، و صارم الدوله ، بلاغره تا کمال آن
میکرهای صاره شیخ الرئیس ، و متولی باشی آستانه
مقدسه رضوی بیافته اندکی از کرد و عود و طبعانی که بیرون
نامهای نامی مردان ایران تحصیل شده تزل میکند
آنوقت است که سیر کیم مراقبت زد و مرد و ده سرد
از دل پرورد باید کشد

پس ما چه میوانیم داشته باشیم خیلی در است
ما چه خواهیم داشت خیلی دور است باقی ماند ما چه داریم

بلی باید گفت ما چه داریم ؟

«چه داشته که من مات و گرفتار توام» چشم ایران در پرا
بلا آنکه بدون ملاحظه صفت و تربیت و تربیت
و جنبیت طالب ترقی و نیامسند و نادوی حقوق و
حدود عالم نطق نظر آنهاست . خصوصاً اصلاح مغانه
و معایب سابقه و لاف مستقیم و غیر مستقیم و لظن عزیز
بانه نطق متوجه است .

۱) سرپرستانت مشروطه ایران و پادشاه جوان بود
که بر طبق قوانین اساسی و جاری مملکت مراقب و نواب
باشند . چنانکه بقدر مقدر هستند

۲) دارالشورای کبری و پارلمان و وطن ناخبین ایالات
و ولایات کافی و ولایت باشند که اصل اصل اصلاحت
را و وطن از آنها درخواست دارد .

۳) هیت مصفیه کابینه و وزراء که زمام حاکم کشور و سر
و علت العمل میکنند و بدینجهت هر دولت وقت از آن
ناجیه است .

چیزیکه هست انباط مردمگانی تهیه تا نیاز اقتصاد
تکیلات لازمه زراعت ، فلاح و نوایه اجتماعی
نظریات و ملاحظات سیاسی ، پیشها و های علمی
همه از روح یک فتن ناشی است .

در هر وقت که اشخاص فداکار و مردمان فعال
زیادتر وجود دارد چرخ ترقی و تمدن آن بان تندتر
براه افتاده و بجانب علو مراتب ظاهری و باطنی
سریع تر ره سپار میشود و هر وقتی که سهل انگاری و
بی قیود و لایالی و وقت گذران باشد زودتر از این
خویش بجاه کتبت و بدینجهت سرگون میگرددند .

ایرانی هموطن عزیز

وقت را بایه غنیمت شمرد پادشاه با محبوب و صدیق
و ایران دوست است . کابینه وزرای اخیر ما چنانکه
از هر گوشه و کناری گوش میرسد طرف اطمینان
و اعتماد عامه ایرانیان اند و دولتهای مجاریه حاضر زمانه را
دولت آزاد و گراسی روس با صدهای رسا و مؤثر
بامه طور مساعدت را داده داده و چنانکه بی منم از
همه طور اقدامات خصمانه رژیم سابق مستبدانه روئیده

عطف خان کرده و خوشبختی بهر قسم برای و بدل محبت شروع نمودند مقتضی موجود مانع مقهورات ایرانی میگردم سیاه نمایی از اقلی ایران نزدیک است بکلی مرتفع شود بنیم صبح صادق روح افزای امید بخوابگاه ما وزیدن کند بیایم بکبدل و کعبت کلبه اغراض شخصی مقصود با ما بود را از لوح دل پاک کنیم بر غیریم فقط آن مقبره ای غم انگیز شهدا و ارواح سعیده طیبه رفقا را از خود خوشتر کنیم کسبیم فقیهین و دکلاسی دارالتورای کبری علی را حتی المقصد از اسخاص این و صدیق از خود گذشته بی طبع اشخاص کنیم نقی زاده و امثال او از پرورش یافتگان این آب و خاک اند که پادمان ایران بوجود امثال آنها افتخار دارد و بعد الملک ادب السلطنه گیلانی و میرزا محمد علیخان گلرپ و آقا سید محمد رضا (مصادات) و سایر بزرگواران معروف مشهور و غیره و غیره و غیره در همین آب و خاک تربیت یافته اند که باوجود اتران آنها مباحث میوزیم نفوذ بی محترم است ولی نفوذ شخصی و ثروت و متول آنهم از مال رهنمای بوده اسباب تقدیرس فانیین نمیشود.

چین . کمان

اخبار خارجه

نقل از روزنامه شریفه مساوات منبسطه رشت شماره ۷
کنسره قشونی قفقاز در خصوص ایران بعد از اینکه راپورت های اشخاص بصیر دیانات مطلقین را استماع نمود نصیحت ذیل را پیش نهاد محبت خود ساخته که بوقوع برسانند .
۱۱ کنسره قشونی قفقاز میداند که حکومت قدیم یعنی قبل از روسیون بواسطه مامورین خود دائما در عهد بود که ملت خود و ملل مجاور را بحالت عبودیت و بندگی

در آورده و جدا مانع شرفت خیالات آزادی و خفت حریت آنها باشد و مقصود عمده اش پیش بردن پلیتیک نهدی و تجاوز نسبت بحقوق دیگران بود و این پلیتیک در میان ایرانیان منصف تولید میجان مغز افز نیست بروس را میبورد و عظمت دولتی روس را میبکانت
۲۱ قشون قفقاز بواسطه ناپسندگان گنزه خود اعلام میکند که قشون روسیون روس بواسطه آزادی که تحصیل نموده خیسلی مباحث میوزند که اکنون مشول است اساس دولتی خویش را از روی اصول و موکر اسی بگذارد و با القطع طریق پلیتیک قدیم را لغو نموده و کالفا مقصد پلیتیک شجاذ گارانه را بهر قسم و هر جا که متار که نماید .

۳۱ قشون قفقاز حق اداره کردن بر طبق امور خود را بدست خود و عدم مداخله در امورات داخله آنها را محترم میدانند و بجهت ممانعت و جلوگیری برای تسکینات جدیده ایرانیان در ایران شروع نموده بلکه بطور صمیمانه مایل است که مامورین حکومت قدیم را که سبب بیجان ایرانیان نسبت بقوت روس ما بودند از مسانه بر دارد و اما اینکه در آینده هیچ گونه موانع و مخدوم برای حس ارتباط صمیمانه میان ما و موکر اسی ایران در روس نباشد .

۴۱ کنسره آمواد ذیل را بحجت حس ارتباط ایران در روس و حق مجاورت طافین که بطور دلخواه می نماید خواستار است .

اول - بمقتضای این نظامی ما که موافقا بواسطه ضرورت پلیتیک در یک مملکت بمطرف دوست «ایران» داخل شده اند باینکه که بطور صریح بانی نسبت بمردم

ایران رفتار ننوده در ضایت خاطر اینرا کالاملا در کمال
مقوله کب گفته

و قوم - خیلی لازم است که هر چه زود تربیت مطمین
رو مس را که در بر بگارد و قزاق ایرانی مستخدمه تجرید
نظر ننوده و اشخاصی را که با او ضاع حالیه قابلیت
ندارند از کار خارج ننود و کسبیکه بواسطه لیاقتیکه
در مقابل دولسیون تحصیل کرده اند مشروطه آنکه متی
المقدور با خلاق و زبان ایرانی آشنا و بارشیم جبر
و بسته موافقت داشته باشند بجای آنها بر قرار گردند
سوم - تجرید نظر در تربیت مامورین سفارتی و قزاق
و غیره که بکومت ایران معرفی شده اند ننود و
دستور العمل ها بیکه تا کنون بایشان داده میشد تغییر
داده و اختیارات آنها محدود گردد و همچنین فوراً اطلا
فاصله مامورینیکه بواسطه اعمال ارتجاعانه و تجاروتی
بر بر ضد مومکر اسی ایران ننوده اند از کار خلع ننوند

چهارم - کنگره بجموم مشروطه خوانان ایران اعلام
میدارد همینکه ملت روس از موانع حکومت قدیم
خلاصی حاصل کردند باب ارتباط حسنه صیمانه با
ایران مصفوح خواهد ساخت و همین طور هم مقظرت
که روح مومکر اسی ایران این جنبت انگکاسی
میدانند در خانه قوشون روسیه لیبون روسیه اطمینان
بنخواه که ایرانی ما هم مانع گردند از طرف خواه خارج
بی مرام (اگراد والوار سرحدی) آده ناتی بر ضد
قوشون روسیه که روس که موافقند این بکلم
ضرورت پیشگی هستند گردود

مخبر کنگره نژونی قناتاز
چه قدر ممنون میبوم اگر نام مطمین خود را از بر بگارد

قزاق ایران بکلی بر میدارند و مستبد و منظم اداره قزاقان
را بصاحب منصبان ایرانی که مری خودشان هستند برگرد
مینموندید

مسادات

مطبوعات

از مگو خبر میدهند در لشکره فایده گان ننود و
سر بار نامی روسیه (ره تل - وزیر) اظهار کرد
که دولت موقتی روسیه بواسطه وزیر خارجه پرودت
بر علیه اهدات سجاود کارانه انگلیس فزانه اظهار
برای حرکات غیر مشروطیکه در باره یونان ننوده
اند (اطح قطنین پادشاه یونان) کرده این رفتن
بک نظرانی متشر خواهد شد که بر دولت فوق
شان و حاکی باشد

از نظر گراد دوم ردین خبر میدهند که وزیر خارجه
روسیه یک (نوط) با دولتی سفارت فزانه و
که حرکات اشتراک جویانه قوشون روسیه در مقدونیه (باگنا)
برای تصرف بعضی شهرهای یونان و غزل قطنین برد
کرده و این اعتراض نه تنها برای شرکت جنبت در غزل
پادشاه یونان و تصرفات حاکی است بلکه برای
این است که چرا بدون مراجع برگر خود روسیه
باین امر مجادرت در زیده اند

روزنامه باد کوبه نره اول رمضان
وطن پرستان ایران را یاد آور میبوم که دولت
جدید روسیه آزادی عمل و مالک صغیره را که اعلان
داده اند اول مرتب است که قول خود را آشکارا
بفعل آورده و ایرانیان را اصلاح میزنند که برای
خود مانعی ندارد

ورد

جناب سید کورد کوف نماینده وزارت خارجه دولت آزاد در دسته دور و ز قبل وارد رشت شده پس از تفتيش معهوديکه دارند عازم طهران خواهند شد اميد داريم بک نتيجه جالب توجه که مطلوب و مقصود ما است براي ايران حاصل شود .

نظر نيميه ايم

بوجبه هر يک از منافع موثقه اجتماع کرده ايم نگاه نشوني قضاة فلکرافا مواد ذيل را در باره ايران از حکومت موثقي استند عا کرده اند

اول - تجديده نظر در تمام معاهداتيکه راجع ب ايران است که حقوق ديره سلطنتي را کوچک و محدود مي نمايد

دوم - تجديده نظر در تمام امتيازات بر ضد منافع درون بيشتر و رحمت کشش ايران گرفته شده

سوم - تجديده نظر باعمال بانک استعراضي ايران بشود که امورات گذشته اش معلوم و طرز روش آينه اش آشکار گردد

کتابه قضاة در حالت مجمله تفهيم کرده امتيازاتيکه جانشين قضاة راجع باستخراج آبهاي اطراف بادکوبه بچپاني انگليس (البيوت) داده است لغو نمايد
نقل از مساوات

اوتومات

يارب اين بزرگ و فزون چيست اين مکر و دخل کاي چنين رايج بود و در زوار باب اول دين محجب باشد که زير نام انسانيت دست مرچه نيزنگ است و فزون است و خدا را چيست

عصر باد عصر نوراني ملي خوانند و من غير تاريکي نيم نيم بکوه و درشت و تن خلف و عدالت و خلاف عهد و ابطال حقوق گر حقوقي لازم الاجبه ابو دين الملل حن استعمال قول مردمي يعني مدفع حفظ استحکام عهد دولتي يعني حل قصه ترک سلاح آنگاه تشييد و صلاح کنگره صلح و صفاء نگاه آغاز جدک و حکم اين عصر تمدن گاز پس تولى کثير روزگار بر برت راندي نم ابدل حوزه اي اجتماعي چيست قانون ساز خده هاي ميلو پاسي چيست قانون قبل سخت نازيباد مکروسي و زشت و ناپسند گرچه داري صورتی زيبا و چشمي کمن کلش اين چاره جنس آدمي را خود بنور حشر بودي با بهايم هاي بودي و قتل تانيديد اين تمدن را غدا بديخواش تاني حبت اين توفيق را بلاني جان کنگل راه نازقن به از رايي که باشد ناصواب علم ناخواندن به از علمي که باشد سبيل آف برين و جهان دين حش بر اين افضلي و عدل آه از اين جور و تعدي داد از اين مکر و خيل اصل نامي علمي است اين با وساير مدع فصل هاي عمدي است اين با ساير لالاي خوان تعلبات را خون خواهد گي شد با حصر رنج شخصيات را مردم کس شايه حاصل ميلو فان بزرگ و نکت سخنان و حق

رگ دستفلاں نصب العین میاید از آنک

بهترین برکلامی هست مقل و دل

یک جمله سری - یادری درمی

میرزا داوود پلای خان خودروه پنخ طویله پامی خردس
 دکتر توگت نسل (یعنی گنگ) و حاجی پاک باز، هر یک
 بنوبه خود وارد اطاق شدند منگ است سلام خوا
 که بتظیم مفصل لغافه شده لدی الورد و تقدیم نمود
 حضرت اشرف که با مرحوم صدر اعظمی رشتی بود یک
 دوره تکھیلات را بپایان رسانیده و در صله
 انسانی و اخلاقی سبوت میوان گفت خطه چنان
 سخن میخواند و در آداب معاشرت حسن خلق
 اخلاقی را بپیران عالی خلق بزرگ معلم میخواند
 قلم او کرد سخن عادت اطلاق فالصه و محصل آن برک
 به بحث بجزئی قانع نیست و در وی بای اوقات
 باشرت ترک را با چیز میبارد و تمام پس اندامی
 چند سال اداست طهران دوزدست

پنار شش برج زهر بار است ده منی
 اضلاع اطاق که نقطه صدر اختصاص یافته مثل
 جبهه (رئول بنار) معروف با کوه دانه

و اینر سجدت ترار گرفته است

ملم علم عنی فهم لا یعقلون

نفسی از نفسی جردن میاید واردین با قدم
 های نرم فخر ایام پست آهسته پس نشسته زین
 لب بهم گفتند (فته خوابیده به)

جسی محمدان هستند

للا شجران خاموش

بنیاد

هر کسی که بود حتی مسلم پس چراست
 هر چه بیزد است پیش روز خندان میندل
 زور بازوی تو انا نقص حق نادوان
 ناز شفت اکثریت خوردن خون اقل
 ناز یک تنی که کرد کند گوش هک
 نشوند هرگز نزدیک دولت خوب بول
 دعوی انسان پرستی و انگلی اوزاد نفع
 از گای حق شناسی و انگلیت بد نفع
 پروان دین همی را چرا از گور روح
 این چنین یک باره خاطر شده بنامش
 زنده بشد مرده از انفس آن همی
 هم شفا میافت گنگ و عجب و کور و کور
 یک اکنون پیشت گران همی جان
 غیر خود کس را بنخوا بندگی مستقل
 هر کجا چشمی است بینا میکندش زرد کو
 بر جای پای است رور و انگلندش در دنگ
 با تجامی آنکه بر لبیم بر خود را شر
 یا شویم آماده وضع شام گل
 خود میجان هم در افتادیم و گوشه بخت
 گونی بنجا جنگ صفین است و در می
 تا کی باید خطاب اشرف و عنوان قدر
 تا کی جزئی تمام از وضع دشمنان
 مملکت در حال تنوع و آفریند تراجم
 پای ما در کنگه و اگر کم کند وی عقل
 اگر بودیم اندک پوشیده درین
 کی چنین در ماند بپوشیم جزین نعل

آن کیست

که در ماه پانصد و چهل تومان خرج میکند و صد هشتاد تومان حقوق بگیرد

آن کیست که تا آن حقوق شبی چهار پنجهوار منان قرار میکند آن کیست که با حقوق فوق یکدانه بر لیانت به پیروز

منان و مقداری سایر جواهرات و اشیاء نفیسه مال خریدار است آن کیست که با حقوق صد و هشتاد تومان اسب و در شبکه خریداری کرده آن کیست که با حقوق مرفوم بعد از ورود بر پشت به مدت فیللی هزار و هفت

پنجاه تومان عوض معشر طی خانه پدری خود را فوهم...

بطهران فرستاد؟

آن کیست که جمعی پنجاه کافر با اسم مراد به اجنگلی هاسر

خورد و از بعضی از آنها مثل محمد ابراهیم صراف فوسفات

صد تومان گرفت و علی اکبر پنجاه که بعد از حبس زن و

بچه‌های او باز کرده روز از صبح تا شام در حضور غیر مبای

رکش مشرف شده آخریک طفل او حضورش جان داد

و اعتنائی نکرد تا آنکه بمالش خانه محقر خود را هفتاد

پنجمان گروگدا در با فاقه می نمود و خلاصی گردید...

آن کیست که برای سیستان با اعمال خود در شب شبیه چهار

شعبان بحکم الخائن خائف برای فرار حاضر شد و یکی

زهر کار این مانع گردید؟

که هرگاه برومی گناهانت ثابت و چوب و سوسر طلا خوا

شد بهر این این است که بجهت پوشانیدن اعمال

و افعال شبیه شرم آورد و چنین زبان‌های بعضی

مبلغی پول به فلان و فلان او کابدهیم و بعد برای

محبوبیت دنیا له نابیت چند نفر که نسبت اختیار

کرده اند بگری که در حال است هم‌نماشا؟

آن کیست که بعد از اتمام بمطلب فوق پس از دو سه روز سینه ... به حاجی ... پیغام داد که ما برای بسن دهان بعضی پول داده ام شما بایست هزار تومان حق بسن قدر بمابد هیدد والا برای شما و تکمل میولسیم او نداد از هر نوشت

آن کیست که پانصد تومان برات برای میرزا هاشم خان مدیر اداره ... بطهران فرستاد که دو مژد دیگر

در ماموریت خود باقی باشد بزل گرفت و معزول گردید

آن کیست که به فتح الدوله رئیس عدلیه نوشت بمیان

من کار فوراً درست میکنم لیکن قدری پول لازم است

هر کس از قاری بشن حل این معما نمود که بعد از حقوق

ماهی صد و هشتاد تومان اضافات از کی بوده

و اسم این خادم و وطن دوست ملت خواه چیست

در جراید مرفوم داشته از مدیران خریدار یک کتاب

سیاحت نامه حاجی بابا اصفهانی را بر سر یادگار

کشف معمای مشکل درسیافت خواهد فرمود

و هرگاه خود آقا نوزگی نموده اسم خود را با محل

اضافات که بعد از ورود بر پشت منجا و از

بجست و د هزار تومان است مرفوم دارند نام

دوره سیاحت نامه حاجی بابا که سه جلد است

با سرنازشست جانوه خواهد گرفت

جنگل

جملات فوق بعنوان آن کیست با اداره روز

نامه جنگل رسیده هر که آن شخص را پیدا کند علاوه

بر کتاب سیاحت نامه حاجی بابا یک جلد هر کتاب نامه

یوانی از دفتر روزنامه جنگل دریافت خواهد کرد

هر که خرگوب دراپید کند!!!

محل فروش رشت «شبه نیک نژاد»